

موضوع و

منزلت علمی

جمعیت‌شناسی

دکتر سرایی

تشکیل می‌شود.^{۱۲} چنین تعبیری از جمعیت توجه ما را به کمی بودن موضوع جمعیت‌شناسی معطوف می‌کند. شاید از این رو باشد که جمعیت‌شناسی را بعضی مطالعه کمی جمعیت خوانده‌اند.

تعریف جمعیت‌شناسی

همانطور که در بالا اشاره کردیم، قلمرو موضوعی جمعیت‌شناسی جمعیت‌های در حال تغییر انسانی است. مع الوصف، تأکیدات موضوعی از زمانی به زمانی، از مکانی به مکانی، و از دیدگاهی به دیدگاهی فرق می‌کرده است. در چند دهه اخیر، به واسطه رونق و به تبع آن، رشد و تکامل این رشته علمی، درباره موضوع آن به تدریج در میان جمعیت‌شناسان نوعی توافق، در کلیات، حاصل شده است. از این رو، جمعیت‌شناسی را می‌توان در حساب حاضر با توجه به قلمرو موضوعی آن چنین تعریف کرد: جمعیت‌شناسی علمی است که به مطالعه^{۱۳} حجم جمعیت،^{۱۴} توزیع جمعیت،^{۱۵} ترکیب جمعیت، و تغییرات در آنها و مؤلفه‌های این تغییرات - شامل باروری، مرگ و میر، مهاجرت - می‌پردازد.^{۱۶} در همین جا مقتضی است که به هر یک از این موضوعات اشاره کنیم.

حجم جمعیت: حجم جمعیت یکی از شاخه‌های با اهمیت، جمعیت‌شناسی است و آمارهای مرتبط با آن هم در زمره مهم‌ترین و اساسی‌ترین آمارهای جمعیت است. حجم جمعیت هر ده سال یکبار در سرشماری‌های جمعیت، با رجوع مستقیم و دقیقاً برنامهریزی شده به واقعیت، مشاهده و اندازه‌گیری می‌شود. حجم جمعیت زمانهای پیش از اولین سرشماری، زمانهای واقع بین سرشماری‌ها، و زمانهای پس از آخرین سرشماری، از جمله

جمعیت، به تعبیر اعم، به مجموعه‌ای از واحدها اطلاق می‌شود که در چیز یا چیزهائی مشترک باشند.^۱ در جمعیت‌شناسی واحد نهائی مشاهده فرد انسان است. بنابراین، موضوع جمعیت‌شناسی هم جمعیت انسانی است. مع الوصف، جمعیت گروه‌های اجتماعی کوچک معمولاً موضوع جمعیت‌شناسی واقع نمی‌شود. اضافه بر آن، اگر جمعیت از هر لحاظ ساکن^۲ باشد موضوعیت خود را برای یک رشته علمی از دست می‌دهد. به تعبیر ونس «یک جمعیت، به عنوان مقدمه، باید به صورت یک گروه انسانی در مقیاس وسیع و در جریان تغییر ملاحظه شود.»^۳ از این رو، موضوع جمعیت‌شناسی را می‌توان جمعیت‌های در هر حال تغییر اجتماعات بزرگ انسانی دانست. بین جمعیت و گروه اجتماعی (نظیر خانواده، اجتماع، یا جامعه) البته فرق هست. جمعیت مؤلفه‌ای از گروه اجتماعی است. به تعبیر دقیق‌تر، گروه اجتماعی جمعیت است به اضافه چیزهای دیگر. اگر فی‌المثل ما جمعیتی در حدود ۵۰۰ نفر زن و مرد و کودک را از جاهای مختلف تصادفی برگزینیم و آنها را در یک جا جمع کنیم، حداقل کوتاه مدت، یک اجتماع (فی‌المثل، یک روستا) تشکیل نخواهد شد. با اضافه شدن چیزهای دیگر است که از یک جمعیت انسانی یک اجتماع انسانی

جمعیت‌شناسی را بعضی علم مطالعه جمعیت خوانده‌اند. این تعبیر کلی و مبهم است، مع الوصف توجه‌ها را به دو معنای اساسی معطوف می‌دارد: (۱) جمعیت‌شناسی یک علم است، و (۲) موضوع آن جمعیت است.

جمعیت‌شناسی یک علم است، زیرا جمعیت‌شناس، در فرایند یافتن جواب برای سوالاتش، جمعیت را به صورت برنامهریزی شده و به شیوه تجربی^۴ مطالعه می‌کند. به تعبیر دیگر، جمعیت‌شناس هم نظیر هر عالم دیگری، ضمن بهره‌گیری از نقل و عقل و اشراق^۵ در ادامه نباید به سطح تجربی کشیده شود و پدیده‌های مورد نظرش را در این سطح، به طور سیستماتیک و کنترل شده، مشاهده کند.^۶ از این رو، در جمعیت‌شناسی هم مسانند سایر علوم، پایداری یا نادرستی فرضیه‌ها در نهایت توسط واقعیت تجربی متکشف می‌شود.^۷

هر علمی موضوعی دارد. در جریان تکوین و تکامل رشته‌های مختلف علمی در عصر جدید، قلمرو موضوعی علوم مختلف هم تا حدود زیادی مشخص شده است. به تعبیر دیگر، هر علمی مجموعه‌ای از واقعیت‌ها را در زمان ما موضوع مطالعه خود قرار داده است. در تقسیم واقعیت‌ها میان علوم، واقعیت‌های جمعیت هم سهم جمعیت‌شناسی شده است.^۸

زمان حال و آینده، باید برآورد شود. پیش‌بینی جمعیت اصطلاحی است که برای برآورد آینده جمعیت به کار می‌رود.

توزیع جمعیت، حجم جمعیت تعداد جمعیت در کل منطقه یا کشور را نشان می‌دهد، این‌که این جمعیت در کجاها زندگی می‌کند سؤالی است که برمی‌گردد به توزیع جمعیت. در سرشماری‌ها، اضافه بر حجم جمعیت کل منطقه یا کشور، جمعیت اجتماعات (شهری و روستایی) و نواحی سیاسی (نظیر شهرستان و استان) تشکیل دهنده کل هم اندازه‌گیری می‌شود. لذا، کل جمعیت را می‌توان داخل زیر جمعیت‌های ناحیه‌ای (فی‌المثل استانی) یا داخل زیر جمعیت‌های شهری و روستایی قرار داد. در حالت اول توزیع جغرافیایی جمعیت و درحالت دوم توزیع جمعیت به لحاظ شهرنشینی و روستائینینی حاصل می‌شود. طبقه‌بندی کل جمعیت در دو زیر جمعیت شهری و روستایی یکی از مهمترین طبقه‌بندهای جمعیت‌شناسی است. اهمیت این طبقه‌بندی به حدی است که آمارها و اطلاعات دیگر در سرشماری‌ها برحسب این طبقات عرضه می‌شود. اضافه بر آن، مطالعه روندم شهرنشینی، پس از تغییرات حجم، شاید یکی از مهمترین مطالعات جمعیت‌شناسی امروز، علی‌الخصوص در کشورهای کم پیشرفت جهان سوم باشد.

ترکیب جمعیت، در ترکیب جمعیت هم، نظیر توزیع، کل جمعیت در زیر جمعیت‌ها توزیع می‌شود. مع الوصف، بر خلاف توزیع جمعیت که در آن طبقه‌بندی بر اساس موقعیت مکانی فرد (نظیر، آدرس محل سکونت) صورت می‌گیرد در ترکیب جمعیت اساس طبقه‌بندی ویژگی‌های فردی است. ویژگی‌های فردی یک فرد (یا گروهی از افراد همگن) را

از فرد (یا گروه همگن) دیگر متمایز می‌کنند. مهمترین این ویژگی‌ها سن و جنس است. ترکیب‌های سنی و جنسی جمعیت هم که بر اساس این ویژگی‌ها شکل می‌گیرند از اهم ترکیب‌های جمعیت‌اند. بدون دپرسی به آمارهای بالنسبه دقیقی که معرف روند تغییرات در ترکیب‌های سنی و جنسی جمعیت باشند، در واقع، برنامه‌ریزی صحیح برای فی‌المثل آموزش یا اشتغال ممتنع است. سن و جنس، در کنار سکونت در شهر و روستا، به حدی دارای اهمیت‌اند که اطلاعات دیگر بر حسب آنها در سرشماری‌ها ارائه می‌شود. (اطلاعات وضع تأهل، فی‌المثل، اگر بر حسب سن و جنس و سکونت نباشد بسیار ناقص است). اضافه بر ترکیب سنی و جنسی جمعیت، ترکیب‌های متعدد دیگری هم هست که موضوع مطالعه جمعیت‌شناسی واقع می‌شود. ترکیب جمعیت بالاتر از یک مقطع معین سنی بر حسب وضع تأهل، سواد و بی‌سوادی، و فعالیت از نظر اقتصادی و همچنین، ترکیب جمعیت فعال (نیروی کار) برحسب گروه عمده شغلی، گروه عمده فعالیت، و وضع شغلی نمونه‌ای از آنهاست.

در آخر، بی‌مناسبت نیست که به لفظ کیفیت هم در اینجا اشاره شود. «در معنای متعارف، این اصطلاح شامل ویژگی‌هایی نظیر بهداشت عمومی، توانایی ذهنی، مهارتها و کیفیت‌های اکتسابی می‌شود. توزیع فراوانی این ویژگی‌ها هم، در کنار خیلی دیگر، مشمول معنای (ترکیب جمعیت) است.»^{۱۷}

تغییرات یا حرکات جمعیت، کار جمعیت‌شناسی مطالعه جمعیت‌های بزرگ در حال تغییر است. اگر جمعیت تغییر نکند، یعنی اگر حجم، توزیع، و ترکیب جمعیت ثابت باشد، جمعیت‌شناس هم کاری نخواهد داشت که

انجام بدهد. تغییر در حجم و توزیع را کلاً می‌توان با تغییرات در باروری، مرگ و میر، و مهاجرت تبیین کرد. مع الوصف، در تغییرات ترکیب عامل تغییر وضعیت یا منزلت، یعنی تغییر در تعلق یا وابستگی گروهی - فی‌المثل، تغییر وضعیت از مجرد به متأهل، یا از شاعل به بیکار - گاهی دخالت می‌کند. بنابراین، عوامل یا مؤلفه‌های دموگرافیک تغییرات جمعیت، در اساس، باروری، مرگ و میر و مهاجرت است. مطالعه علمی پدیده‌هایی که در قلمرو موضوعی جمعیت‌شناسی^{۱۸} می‌افتند، مانند مطالعات علمی در سایر علوم، ممکن است توصیفی باشد^{۱۹} یا تبیینی.^{۲۰} در مطالعات توصیفی پدیده‌ها معمولاً به صورت منفرد و جدا از هم بررسی می‌شوند. فی‌المثل، تغییر در حجم جمعیت جهان را در عصر جدید می‌توان، بر کنار از ارتباطاتش با پدیده‌های دیگر، مطالعه کرد و روند تغییرات آن را توصیف کرد. توصیف مقدمه تبیین است.

تبیین معمولاً توضیح چرایی است. تبیین، در ادامه توصیف، به مطالعه عوامل و شرایط مؤثر بر تغییرات پدیده مورد مطالعه می‌پردازد. به تعبیر دیگر، پدیده مورد نظر را در ارتباط با پدیده‌های مؤثر بر آن مطالعه می‌کنند. در مطالعات جمعیت‌شناختی، ابتدایی‌ترین و شاید اساسی‌ترین شکل تبیین، تبیین دموگرافیک است. در تبیین دموگرافیک یک پدیده جمعیت توسط پدیده‌های دیگر جمعیت توضیح داده می‌شود. فی‌المثل، تغییرات در حجم جمعیت جهان با کمک پدیده‌های جمعیتی باروری، مرگ و میر و مهاجرت تبیین می‌شود. توصیف پدیده‌های جمعیت و تبیین جمعیتی این پدیده‌ها، روی هم، یک حوزه علمی را به وجود می‌آورند که تحت عناوین مترادف، جمعیت‌شناسی رسمی^{۲۱} تحلیل جمعیت^{۲۲} و

جمعیت‌شناسی خالص^{۳۳} خوانده شده است. به تعبیر دیگر، جمعیت‌شناسی رسمی، تحلیل جمعیت، یا جمعیت‌شناسی خالص، چنان‌که از ادبیات جمعیت‌شناسی برمی‌آید، به توصیف پدیده‌های جمعیت و تبیین دموگرافیک این پدیده‌ها (یعنی مطالعه عوامل و پی‌آمدهای دموگرافیک فرآیندهای دموگرافیک) می‌پردازد.

تبیین دموگرافیک فرآیندهای جمعیت، مع‌الوصف، اولین قدم تبیینی در جمعیت‌شناسی است. توضیح شرایطی که تحت آنها و عواملی که در اثر آنها پدیده‌ای نظیر تغییر در حجم جمعیت واقع می‌شود به مراتب پیچیده‌تر است و رجوع به مفاهیم و داده‌هایی را که در خارج از حیطه جمعیت‌شناسی رسمی قرار دارند ایجاب می‌کند. فی‌المثل، تبیین تغییرات در حجم جمعیت رجوع به مفاهیم و داده‌هایی را ایجاب می‌کند که در قلمرو علوم دیگر (علی‌الخصوص علوم اجتماعی) قرار دارند. به تعبیر دیگر، تبیین‌های دموگرافیک، علی‌رغم دقت فراوانشان، کم دامنه و محدودند. تبیین‌های ارزنده‌تر و مهم‌تر پدیده‌های جمعیت، علی‌رغم دقت کمتر، تبیین‌های غیر دموگرافیک (علی‌الخصوص، اجتماعی)‌اند. جمعیت‌شناسی به معنای وسیع، یا به‌طور خلاصه جمعیت‌شناسی،^{۳۴} بنابراین، اضافه بر توصیف و تبیین دموگرافیک پدیده‌های جمعیت، تبیین غیردموگرافیک (علی‌الخصوص، اجتماعی) این پدیده‌ها را هم شامل است.

در چند دهه اخیر، شاید به لحاظ رشد شتابان جمعیت و نگرانی نسبت به ادامه آن، با عطف توجه به پی‌آمدهای غیردموگرافیک روندهای جمعیت (از جمله، رونید در حجم جمعیت) اصطلاحات جمعیت‌پژوهی^{۳۵} و جمعیت‌شناسی اجتماعی^{۳۶} رایج شده است.

جمعیت‌پژوهی یک حوزه بین‌رشته‌ای است که اضافه بر مطالعات جمعیت‌شناسی، شامل توصیف و تبیین دموگرافیک و غیردموگرافیک پدیده‌های جمعیت، مطالعه عوارض و پی‌آمدهای غیردموگرافیک پدیده‌های جمعیت را هم شامل است. به تعبیر هاوزر و دانکن «علاقه به پدیده‌های جمعیت فراتر از تحلیل جمعیت است، حتی این علاقه از تبیین هم فراتر می‌رود و به همانندها و پی‌آمدهای این پدیده‌ها کشیده می‌شود... حوزه جمعیت‌پژوهی حداقل می‌تواند به گستردگی عوامل و پی‌آمدهای روندهای جمعیت باشد.»^{۳۷} بعضی با محدود کردن دامنه عمل جمعیت‌پژوهی به مطالعه عوامل و پی‌آمدهای اجتماعی روندهای جمعیت، در مقابل «جمعیت‌شناسی رسمی» اصطلاح «جمعیت‌شناسی اجتماعی» را به کار برده‌اند.^{۳۸} در هر صورت، جمعیت‌پژوهی و جمعیت‌شناسی اجتماعی با مطالعه پی‌آمدهای غیردموگرافیک پدیده‌های جمعیت فراتر از جمعیت‌شناسی می‌روند و تبدیل به حوزه‌های علمی بین‌رشته‌ای می‌شوند.^{۳۹}

منزلت علمی جمعیت‌شناسی

در جریان تکوین علمی که با انسان سر و کار دارند این سوال، اغلب به صورت پنهان و گاه آشکارا، مطرح می‌شود که این علوم آیا فی‌الواقع علم‌اند.^{۴۰} «با صراحت می‌توان گفت که جمعیت‌شناسی یک علم است چون همه عناصر بسینش و روش علمی را داراست.»^{۴۱} همان‌طور که حالا می‌دانید، جمعیت‌شناسی جواب سوال‌اتش را، درباره پدیده‌های جمعیت و روابط آنها با دیگر پدیده‌ها، با رجوع برنامه‌ریزی شده^{۴۲} به واقعیت تجربی به دست می‌آورد. بنابراین، سوال در اینجا درباره علم بودن جمعیت‌شناسی نیست، بلکه درباره میزان علمیت این رشته شناسائی تجربی است.

جمعیت‌شناسی دارای موقعیت ویژه‌ای است. از یک سو، با مطالعه وقایع اساساً زیستی ولادت، ازدواج، و مرگ به زیست‌شناسی متصل می‌شود. از سوی دیگر، برای تبیین وقایع مزبور، علی‌الخصوص ازدواج و باروری، ضرورتاً به علوم اجتماعی کشیده می‌شود. فی‌المثل، ازدواج را در نظر بگیرید. ازدواج به لحاظ زیست‌شناختی برمی‌گردد به جفت‌گزینی - واقعه‌ای که بین انسان و حیوان مشترک است. مع‌الوصف، این واقعه در جوامع انسانی به شدت تحت قاعده درآمد و نظام یافته است و عوامل اجتماعی در تعیین زمان وقوع، شکل، و دوام آن دخالت تام دارند. بنابراین، جمعیت‌شناسی در مطالعه فی‌المثل ازدواج از یک سو یک واقعه زیستی و از سوی دیگر یک پدیده اجتماعی را مطالعه می‌کند. قوت و ضعف جمعیت‌شناسی هم به عنوان یک علم از این پایگاه دوگانه ناشی می‌شود.

جمعیت‌شناسی در معنای محدود (یعنی، جمعیت‌شناسی رسمی، خالص، یا تحلیل جمعیت) به علوم زیستی نزدیک‌تر است و، بنابراین، به لحاظ تجربی بودن و توانائی تبیین و پیش‌بینی پدیده‌هایش تا حدود زیادی از قوت علوم طبیعی برخوردار است. جمعیت‌شناسی رسمی، همچنین، مسانند علوم طبیعی، دارای قلمرو موضوعی مشخص و دقیقاً تعریف شده‌ای است. اضافه بر آن، یک مجموعه بسیار پیشرفته و کارآمد و بالنسبه مشخص از روشهای تحلیل جمعیت را، متناظر بر آن قلمرو موضوعی، تدارک دیده است،^{۴۳} جمعیت‌شناسی رسمی، همچنین، در تبیین و پیش‌بینی پدیده‌هایش بالنسبه قوی است. فی‌المثل، تغییر در حجم جمعیت را کلاً می‌تواند توسط مؤلفه‌های این تغییرات (باروری، مرگ و میر،

و مهاجرت) تبیین کند. علی‌رغم این، منزلت علمی آن در مقایسه با علوم طبیعی در اندازه‌های کمتری است، زیرا دقت آن در تبیین و پیش‌بینی پدیده‌هایش کمتر از علوم طبیعی است. فی‌المثل، علی‌رغم شناخت بالنسبه دقیق عوامل دموگرافیک تغییر در حجم جمعیت، پیش‌بینی‌هایش از جمعیت‌های آینده اغلب غیر دقیق و گاه نادرست بوده است. از سوی دیگر، جمعیت‌شناسی رسمی، در مقایسه با علوم دیگری که با انسان سروکار دارند، «به لحاظ میزان کمی بودن داده‌هایش، صلاحیت روش‌های تحلیلی‌اش، و میزانی که می‌تواند پدیده‌هایش را پیش‌بینی و تبیین کند به مراتب پیشرفته‌تر است»^{۳۲}

در جمعیت‌شناسی به معنای وسیع^{۳۵} و جمعیت‌پژوهی^{۳۶}، برخلاف جمعیت‌شناسی رسمی، قلمرو موضوعی یگانه، مشخص و تعریف شده‌ای وجود ندارد. در واقع، در پیرامون موضوعات مشخص و تعریف شده جمعیت‌شناسی رسمی، قلمرو جمعیت‌شناسی و علی‌الخصوص، جمعیت‌پژوهی از هر سو با قلمرو موضوعی علوم مرتبط دیگر - علی‌الخصوص علوم اجتماعی - تداخل پیدا می‌کند. به لحاظ روش هم، جمعیت‌شناسی در ابعاد تبیین غیر دموگرافیک آن و همچنین جمعیت‌پژوهی، برخلاف جمعیت‌شناسی رسمی، فاقد مجموعه مشخصی از تکنیک‌های اختصاصی تحلیل است چنین فقدان شاید برخاسته از فقدان یک قلمرو موضوعی مشخص و تعریف شده باشد. در واقع روش‌های مطالعه در جمعیت‌پژوهی و در ابعاد مرتبط با تبیین غیر دموگرافیک در جمعیت‌شناسی همان روش‌های عمومی و مشترک در همه علوم است. تبیین غیر دموگرافیک پدیده‌های جمعیت (و مطالعه پی‌آمدهای غیر دموگرافیک این

پدیده‌ها)، از سوی دیگر، به مراتب پیچیده‌تر و نامطمئن‌تر از تبیین دموگرافیک این پدیده‌هاست. تبیین اجتماعی پدیده باروری، فی‌المثل، به لحاظ پیچیدگی بسیار شدید پدیده‌های اجتماعی در تأثیراتشان بر متغیر باروری و همچنین به لحاظ ضعف و ناپایداری نسبی همبستگی‌های موجود بین پدیده‌های اجتماعی و متغیر باروری، ناقص، نامطمئن، و محدود به شرایط زمانی و مکانی است. پیش‌بینی پدیده‌های جمعیت از طریق پدیده‌های غیر دموگرافیک هم به همان نسبت ناقص، نامطمئن، و مشروط است. به تعبیر هاورز و دانکن، «شاید توان گفت که جمعیت‌شناسی تا آنجا که یک علم اجتماعی است، به لحاظ تغییرپذیری بیشتر پدیده‌های اجتماعی در مقایسه با پدیده‌های طبیعی و به لحاظ مشکلی که از تاریخی‌گرایی^{۳۷} ناشی می‌شود، در مقایسه با علوم مشاهده‌ای طبیعی از قابلیت کمتری برای پیش‌بینی و تبیین برخوردار است»^{۳۸}

در آخر، تذکر دو نکته ضروری است. اولاً، میزان علمیت به معنای درجه اهمیت نیست. در واقع، اهمیت تبیین اجتماعی اقتصادی روندهای جمعیت و مطالعه پی‌آمدهای غیر دموگرافیک این روندها شاید به مراتب بیشتر از تحلیل رسمی فی‌المثل باروری یا مرگ و میر باشد. ثانیاً، جمعیت‌شناسی علمی است که کاربردهای فوری و روشنی در برنامه‌ریزی‌های اجتماعی، اقتصادی، و خدماتی و همچنین سیاست‌گذارهای مملکتی دارد. از اینرو، در میان جمعیت‌شناسان این تفاهم عمومی حاصل شده است که «تقسیم کار شدیدی باید بین تحقیق و فعالیتهای علمی مرتبط با آن و رفتار (مهندسی اجتماعی)^{۳۹} ناظر به تکوین و پیاده کردن سیاستها برقرار

شود». البته، منظور این نیست که «جمعیت‌شناسان به عنوان شهروند نظر خود را درباره مسائل جاری اعلان نکنند یا در جهت حل مشکلات مشارکت نکنند». بلکه، منظور این است که «وظیفه آنان بیشتر پی‌گیری و دست‌یابی به دانش است تا تعیین سیاستها، اداره برنامه‌ها، و حل مشکلات»^{۴۰}

جمعیت‌شناسی به عنوان یک رشته آکادمیک

رشته آکادمیک یک حوزه مطالعاتی است که پیرامون یک قلمرو موضوعی بالنسبه تعریف شده شکل می‌گیرد و مجموعه‌ای از دانشمندان به آن مستتب می‌شوند. این دانشمندان، ضمن جمع‌آوری دانش اندوخته در این حوزه، این دانش را، معمولاً از طریق آموزش دانشگاهی، به دیگران منتقل می‌کنند. اضافه بر آن، آنها با پیروی از بینش‌ها و روش‌های عموماً پذیرفته شده رشته خود دست به تحقیقات جدید می‌زنند تا دانش مزبور را به لحاظ دامنه و عمق گسترش دهند. چنین گسترشی، البته، تشکّل مجامع علمی و انتشار نشریات تخصصی را هم ایجاب می‌کند.

جمعیت‌شناسی هم یک رشته آکادمیک است که حول موضوعات حجم، توزیع، ترکیب، و حرکات جمعیت تشکّل یافته است. جمعیت‌شناسان، در سرتاسر جهان، ضمن تألیف کتب مختلف در این رشته، دستاوردهای بینشی و روشی آن را، معمولاً از طریق آموزش دانشگاهی، به دیگران منتقل می‌کنند و با انجام بی‌وقفه کارهای تحقیقاتی مرزهای آنرا پیوسته گسترش می‌دهند. اضافه بر آن، آنها در انجمن‌های تخصصی رشته‌شان، در سطح ملی و بین‌المللی، سالانه یا چند سال یکبار، گرد هم می‌آیند تا اندیشه‌ها و یافته‌هایشان را با هم

مبادله کنند.^{۲۲} جمعیت شناسان همچنین به موازات تشکل در انجمن‌های تخصصی علمی، برای انعکاس دستاوردهای تحقیقی‌شان، نشریات تخصصی منتشر می‌کنند. مهمترین این نشریات در سه کشور پیشرو جمعیت‌شناسی، یعنی انگلستان، آمریکا، و فرانسه منتشر می‌شود.^{۲۳}

جمعیت‌شناسی مدرن تقریباً در همه دانشگاه‌های جهان به عنوان یک رشته آکادمیک پذیرفته شده است. مراکز آموزش و پژوهش جمعیت‌هم - بعضاً با کمک سازمان ملل متحد، نظیر مرکز بمبئی و سانتیاگو - در جای جای جهان برپا شده است. مع الوصف، این رشته آکادمیک تاکنون نتوانسته است استقلال خود را به طور کامل اعلام کند و در نظام دانشگاهی صاحب یک دپارتمان مستقل شود. این شاید بازگشت پیدا کند به اینکه جمعیت‌شناسی به معنای محدود - یعنی، جمعیت‌شناسی رسمی یا خالص - توصیفی‌تر از آن است که برای آن در مراکز آکادمیک دپارتمانی مستقل برپا شود. جمعیت‌شناسی به معنای وسیع هم برای تبیین فرآیندهای جمعیت ناچار به پدیده‌هایی رجوع می‌کنند که خارج از قلمرو جمعیت‌شناسی رسمی واقع‌اند - پدیده‌هایی که عمدتاً موضوع مطالعه علوم اجتماعی و زیستی‌اند.

اضافه بر آن، برخلاف قرن نوزدهم که جمعیت‌شناسی تقریباً به طور کامل مشغول مرگ و میر بود از اوائل قرن بیستم، با عطف توجه به افت باروری در اروپای غربی، مطالعه باروری را در کانون توجهات خود قرار داد. در ارتباط با جمعیت کشورهای جهان سوم هم امروزه باروری، در کنار مهاجرت، در کانون توجهات جمعیت‌شناسان است، زیرا تغییرات در باروری است که سبب اصلی تغییر در

نرخهای شتابان رشد جمعیت در آینده خواهد شد. تغییرات باروری، مع الوصف، عمدتاً تابع تغییرات اجتماعی اقتصادی است تا بیولوژیکی. از اینرو، جمعیت‌شناسی هم به تدریج از علوم زیستی دور شده و در دپارتمان جامعه‌شناسی (نظیر دانشگاه شیکاگو) و اقتصاد (نظیر دانشگاه پرینستون) خانه کرده است.^{۲۴} در نتیجه، وضعیتی پیش آمده است که در آن «جمعیت شناسان اکثرأ جامعه‌شناس‌اند، حال آنکه اقلیتی از جامعه‌شناسان جمعیت شناس‌اند».^{۲۵} این وضعیت خود سبب دوری بیشتر جمعیت‌شناسی از خاستگاه آن (یعنی، زیست‌شناسی) و تقریب بیشتر آن به علوم اجتماعی شده است.^{۲۶}

در ایران هم جمعیت‌شناسی عمدتاً در دانشکده علوم اجتماعی خانه کرده است.^{۲۷} در واقع چهار عنوان درس جمعیت‌شناسی به قرار زیر در دوره کارشناسی علوم اجتماعی منظور شده است)^{۲۸}

— مبانی جمعیت‌شناسی
— روشهای مقدماتی تحلیل جمعیت
— جمعیت‌شناسی اجتماعی اقتصادی، و
— جمعیت‌شناسی ایران
جمعیت‌شناسی به عنوان یک حوزه تخصصی در داخل علوم اجتماعی برای دوره کارشناسی ارشد هم در برنامه‌های مصوب ستاد انقلاب فرهنگی پیش‌بینی شده است. در برنامه پیشنهادی دکترای جامعه‌شناسی هم جمعیت‌شناسی تقریباً به همان صورت - یعنی به صورت یک حوزه تخصصی در داخل جامعه‌شناسی - منظور شده است.

خلاصه

جمعیت‌شناسی یک حوزه شناسائی علمی است که به مطالعه جمعیت‌های بزرگ در حال

تغییر انسانی اشتغال دارد. جمعیت‌شناسی با توصیف حجم، توزیع و ترکیب و تبیین تغییرات در آنها با کمک عوامل دموگرافیک (علی‌الخصوص، باروری، مرگ و میر، و مهاجرت) و غیر دموگرافیک (علی‌الخصوص، عوامل اجتماعی) این رسالت را به انجام می‌رساند. بعضی دامنه جمعیت‌شناسی را گسترش داده‌اند تا مطالعه بی‌آمدهای روندهای جمعیت را هم شامل شود و اصطلاح جمعیت پژوهی را برای معرفی این حوزه دامنه‌دارتر مطالعاتی به کار برده‌اند.

جمعیت‌شناسی مدرن، به لحاظ تجربی بودن داده‌هایش و توانائی بالنسبه والایش در تبیین و پیش‌بینی پدیده‌هایش از منزلت علمی والائی، در مقایسه با رشته‌های گوناگون علوم اجتماعی، برخوردار است. اضافه بر آن، جمعیت‌شناسی، به عنوان یک رشته آکادمیک، در دانشگاهها تدریس می‌شود و جمعیت شناسان، برای مبادله افکار و گزارش دستاوردهای تحقیقی‌شان، در انجمن‌های تخصصی علمی، در فواصل زمانی منظم، دور هم جمع می‌شوند و نشریات منظم دوره‌ای مختص جمعیت‌شناسی منتشر می‌کنند.

بی‌نوشت‌ها، مأخذ و مراجع، معادلهها

1. Science
2. Population
3. Emprical

۴ - در هر تحقیق مسأله‌دار علمی، استناد به دستاوردهای نظری و تجربی مرتبط با مسأله (نقل)، استنتاج و استنباط از نظریه‌ها و تجارب تحقیقی دیگران، سازمان دادن منطقی شواهد و هدایت بحث به سوی نتیجه (عقل)، همراه با برخورداری از بارقه‌های فراگیر و روشنی بخش الهام (اشراق)، برای فرموله کردن مسأله (یعنی، تحدید، تدقیق، و تصریح سوال) گریز ناپذیر است. مع الوصف، اینها همه مقدمات ضروری تحقیق علمی‌اند.

۵ - مشاهده جمعیت شناس معمولاً غیر مستقیم و تجربه اش عمدتاً با واسطه است. یعنی، دیگران (نظیر حکومتها و اشخاص)، به نیت‌های معمولاً غیر جمعیتی، به واقعیت رجوع کرده و اطلاعاتی از خود به جا می‌گذارند. از این اطلاعات طبقه‌بندی شده یا آمارهاست که جمعیت‌شناس استفاده می‌کند و به سوالاتش جواب می‌دهد.

۶ - فرآیند فرموله کردن مسأله ممکن است در نهایت به فرضیه یا مدل بیانجامد. یک فرضیه، عجلاناً، یک گزاره یا مدل است که حدس مسبوق به نقل و عقل - آمیخته به اشراق - محقق را درباره رابطه یا روابط بین دو یا چند متغیر با صراحت و بدون ابهام بیان می‌کند.

۷ - علی‌رغم آنکه عقل و نقل به این فرضیه‌ها معقولیت و مقبولیت بخشیده‌اند.

۸ - قلمرو موضوعی جمعیت‌شناسی متعاقباً با دقت بیشتری مشخص می‌شود.

۹ - این تعبیر از جمعیت (population) در نمونه‌گیری حساس اهمیت است و آمارشناسان غیرجامعه‌شناس به آن لفظ «جامعه» اطلاق می‌کنند.

10. Stationary

11. Vance, Rupert B. "The Development and status of American Demography", in Hauser, Philip M. and Otis Dudley Duncan, *The Study of Population*. Chicago the University of Chicago press, ch. 19, p. 295.

۱۲ - این چیزهای اضافی موضوع اصلی جامعه‌شناسی است.

13. Size

14. Distribution

15. Composition

۱۶ - این تعریف، با کمی اختلاف، تعریفی است که هاوزر و دانکن از جمعیت‌شناسی می‌دهند. (نگاه کنید به هاوزر و دانکن، فوق‌الذکر، ص ۲). تعریف موضوعی دیگران هم از جمعیت‌شناسی بسیار نزدیک است به این تعریف.

17. Hauser and Duncan, *op. cit.*, p. 13.

۱۸ - قلمرو موضوعی جمعیت‌شناسی در بالا توضیح داده شد.

19. Descriptive

20. Explanatory

21. Formal Demography

22. Population Analysis

23. Pure Demography

۲۴ - از این به بعد هر جا لفظ جمعیت‌شناسی را به کار می‌بریم منظورمان جمعیت‌شناسی به معنای وسیع است.

25. The study of population

26. Social Demography

27. Hauser and Duncan, *op. cit.*, p. 34.

۲۸ - در برنامه درسی کارشناسی علوم اجتماعی در ایران درسی هم تحت عنوان «جمعیت‌شناسی اقتصادی، اجتماعی» ملحوظ شده است که به معرفی عوامل و علی‌الخصوص پی‌آمدهای اجتماعی و اقتصادی روندهای جمعیت می‌پردازد.

۲۹ - در مطالعه پی‌آمدهای غیردموگرافیک پدیده‌های جمعیت، متغیر وابسته یا متغیری که پیش‌بینی یا تبیین می‌شود در قلمرو موضوعی علوم دیگر واقع می‌شود. لذا، این مطالعات، اگر بین رشته‌ای تلقی نشوند، به تعبیر دقیق، به ناچار در حیطه علوم دیگر - از جمله، جامعه‌شناسی، اقتصاد، و زیست‌شناسی - قرار می‌گیرند.

۳۰ - با تکوین و جفافادن این علوم این سوال هم به تدریج رنگ می‌بازد. اضافه بر آن، در کشورهایی که شاهد پیشرفت بیشتر این علوم بوده‌اند سوالاتی از این قبیل کمتر مطرح می‌شود.

31. Hauser and Duncan, *op. cit.*, p. 20.

۳۲ - مع‌الوصف، با واسطه و غیرمستقیم.

۳۳ - در این باره، نگاه کنید به شرایساک و سیگل:

Shryock, Henry S. and Jacol S. Siegel, *The Methods and Materials of Demography*, Washington D.C.: U.S. Bureau of the censuses, 1971.

34. Hauser of Duncan, *ibid.*

۳۵ - کله تبیین غیردموگرافیک پدیده‌های دموگرافیک را هم شامل است.

۳۶ - که اضافه بر جمعیت‌شناسی، مطالعه پی‌آمدهای غیردموگرافیک (معمولاً اجتماعی و اقتصادی) پدیده‌های دموگرافیک را هم شامل است.

۳۷ - منظور آنها از تاریخی‌گرایی (Historicism) این است که اعتبار این تبیین‌ها محدود به دوره زمانی یا حوزه فرهنگی و تمدنی معین است. (نگاه کنید به هاوزر و دانکن، فوق‌الذکر، ص ۲۱).

38. Hauser and Duncan, *op. cit.*, pp. 20-21.

39. Social Engineering.

40. Hauser and Duncan, *op. cit.*, p. 19.

41. Academic Discipline

۴۲ - «اتحاد جهانی برای مطالعه علمی جمعیت» یکی از این انجمنها در سطح جهانی و در واقع، مهمترین آنهاست.

۴۳ - نشریات تخصصی جمعیت‌شناسی به تعداد بالنسبه زیاد در سرتاسر جهان منتشر می‌شود. مع‌الوصف مهمترین و معتبرترین آنها از این قرار است:

Population Studies در انگلستان
Demography و *Population Index* در ایالات متحده و *Population* در فرانسه.

۴۴ - البته این بدان معنا نیست که جمعیت‌شناسی تحت یک یا چند عنوان در برنامه‌های درسی رشته‌های نزدیک به زیست‌شناسی - نظیر بهداشت و پزشکی - منظور نشود.

45. Hauser and Duncan, *op. cit.*, p. 21.

۴۶ - در این باره نگاه کنید به

Bogue, Donald J. *Principles of Demography*, New York: John Wiley and Sons, Inc, 1969, ch. 1.

۴۷ - علی‌رغم توجه شدید علم اقتصاد در چند دهه اخیر به کیفیت جمعیت و نیروی انسانی و علی‌رغم رشد گام گسیخته جمعیت در کشورهای کم پیشرفت که به انحاء مختلف نظام اقتصادی و توسعه را تحت تأثیر خود قرار داده است در برنامه دوره کارشناسی اقتصاد، علی‌الظاهر، حتی یک عنوان درس جمعیت‌شناسی منظور نشده است.

۴۸ - با تغییراتی که در برنامه درسی دوره کارشناسی علوم اجتماعی صورت گرفته است دو عنوان اخیر - یعنی، جمعیت‌شناسی اقتصادی و اجتماعی و جمعیت‌شناسی ایران - انتخابی شده‌اند.